

چشم‌انداز بازار نفت و گاز

سخنرانان:

دکتر نرسی قربان (دبیر کمیسیون محیط زیست و انرژی اتاق بازرگانی بین‌المللی)

دکتر سلیمان قاسمیان (رئیس امور اقتصادی معاونت امور بین‌الملل و بازرگانی وزارت نفت)

رامین فروزنده (مدیر استراتژی و توسعه شرکت انرژی دانا)

دبیر جلسه:

دکتر علی متوسلی (مدیر کل دفتر خدمات پژوهشی و عضو هیئت علمی موسسه عالی

آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)

۱۳۹۹/۰۸/۲۶

مطالب مندرج در این گزارش منحصرآ گفته‌های سخنرانان است و به هیچ‌وجه منعکس‌کننده نظر موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی نیست.



نشست "چشم‌انداز بازار نفت و گاز" با سخنرانی آقایان دکتر سلیمان قاسمیان (رئیس امور اقتصادی معاونت امور بین‌الملل و بازرگانی وزارت نفت)، رامین فروزنده (مدیر استراتژی و توسعه شرکت انرژی دانا) و دکتر نرسی قربان (دبیر کمیسیون محیط زیست و انرژی اتاق بازرگانی بین‌المللی) و با حضور جمعی از کارشناسان و علاقه‌مندان در تاریخ ۹۹/۰۸/۲۶ به صورت آنلاین برگزار گردید.

دکتر علی متوسلی

در این چند ماهه گذشته از سال ۹۹، پدیده‌های جدیدی در بازارهای جهانی دیده شده است. قیمت منفی نفت که به واسطه شیوع بیماری کرونا اتفاق افتاد و یا کاهش قیمت سایر کالاها که درآمدهای صادراتی ایران را کاهش داد از این جمله‌اند. اعمال تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت به کسری بودجه دولت افزوده که تبعات آن را در اقتصاد کلان و در زندگی مردم می‌توان مشاهده کرد. با توجه به شرایطی که کرونا بوجود آورده است و همچنین اشباع بازار در سمت عرضه، چشم‌انداز منبع اصلی درآمد دولت مبهم به نظر می‌رسد. بررسی آینده بازارهای نفت و گاز می‌تواند برای سیاست‌گذاری‌ها، بودجه‌ریزی‌ها و تنظیمات اقتصاد کلان کمک کند.

دکتر سلیمان قاسمیان

از جمله مهمترین اهداف سیاست‌گذاری انرژی، ارتقای کارایی اقتصادی (حداکثر کردن بهره‌وری انرژی در اقتصاد)، برقراری عدالت در بهره‌گیری از منابع انرژی، حفظ و تقویت موسسات و شرکت‌های حوزه انرژی (اعم از دولتی یا خصوصی)، دستیابی به اهداف اقتصاد کلان نظیر استمرار روند رشد اقتصادی، برقراری موازنه پرداخت‌ها، کاهش تورم و برقراری اشتغال، و در نهایت، برقراری ثبات سیاسی (برقراری امنیت عرضه انرژی) است. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی، هدف سیاست‌گذاری انرژی، حداکثر کردن منافع جامعه از بهره‌برداری از ذخایر انرژی است. درک صحیح تحولات کنونی و چشم‌انداز بازارهای جهانی انرژی بویژه بازارهای جهانی نفت و گاز، مهمترین پیش‌نیاز و الزام برای سیاست‌گذاری صحیح در حوزه انرژی است. برای شناسایی آینده‌های محتمل به دلیل وجود عدم اطمینان زیاد در بازارهای انرژی ناشی از تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فناوری، زیست محیطی و ... استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی موثر خواهد بود.

روشهای شناسایی چشم اندازها در ادبیات آینده پژوهی بسیار متنوعند. در طبقه بندی کلی روشهای آینده پژوهی به سه دسته کمی، کیفی و کمی- کیفی تقسیم می شوند. در شناسایی آینده بازارهای نفت و گاز روشهای کمی- کیفی متداول ترند.

آینده های محتمل برای بازارهای نفت و گاز عموماً از طریق سناریو نگاری تبیین و تشریح می شوند. سناریوهای ارائه شده از سوی نهادها و موسسات صاحب‌نام بین المللی و شرکتهای بین المللی معتبر نفت و گاز عموماً "به سه گروه زیر تقسیم می شوند:

۱- سناریوهای Predictive نظیر سناریوهای جهانی انرژی شرکت BP و ExxonMobil

۲- سناریوهای Explorative نظیر سناریوهای جهانی انرژی شرکت Shell و مجمع جهانی انرژی WEC

۳- سناریوهای Normative نظیر سناریوهای جهانی انرژی آژانس بین المللی انرژی IEA

در این ارائه، نخست وضعیت سالهای ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بازارهای جهانی نفت و گاز مورد بررسی قرار می گیرد. سپس دورنمای بازارهای جهانی نفت و گاز در سناریوهای منتخب در افق ۲۰۴۰ میلادی مربوط به قبل و بعد از بحران کرونا مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در سالهای ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ و قبل از بحران کرونا، بازار جهانی انرژی تحولات مهمی را تجربه کرد و در واقع به یک نقطه عطف رسیده بود. بیشترین نرخ رشد مصرف جهانی انرژی اولیه از سال ۲۰۱۰ با وجود کاهش نرخ رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۸

و تکرار آن با اندکی کاهش در سال ۲۰۱۹ و بیشترین نرخ رشد انتشار کربن دی اکسید از سال ۲۰۱۲، در این مدت رقم خورد. رکورد بی‌سابقه ایالات متحده آمریکا در افزایش تولید نفت خام (۲/۲ میلیون بشکه در روز در طی یکسال) و تولید گاز طبیعی (۵۲۰ میلیون متر مکعب در روز در طی یکسال معادل ۲۰ فاز استاندارد میدان گازی پارس جنوبی) در سال ۲۰۱۸ و تکرار آن با اندکی کاهش در سال ۲۰۱۹ رخ داد. رشد قابل توجه مصرف زغال سنگ در هندوستان و رشد چشمگیر مصرف گاز طبیعی در چین و ایالات متحده آمریکا از دیگر تحولات این دوره است. در این دو سال، استرالیا جایگاه نخست در صادرات LNG را کسب کرد و پیش‌بینی می‌شود که در کوتاه مدت این کشور از قطر پیشی بگیرد. به علاوه به دلیل تغییرات آب و هوایی، تعداد روزهای گرم و سرد در سال ۲۰۱۸ در مقایسه با دو دهه اخیر افزایشی بی‌سابقه داشته که منجر به رشد قابل ملاحظه تقاضای انرژی برای گرمایش و سرمایش شده است.

شناسایی روندهای نوظهور بازارهای جهانی انرژی به تحلیل تحولات آینده بازار نفت و گاز کمک می‌کند. از جمله این روندهای نوظهور می‌توان از تمرکز مازاد تقاضا و جابجایی قطب مصرف انرژی به آسیا پاسفیک و خاورمیانه، تمرکز مازاد عرضه و انتقال قطب تولید انرژی به آمریکای شمالی و اوراسیا، کاهش تقاضای نفت و زغال سنگ در اتحادیه اروپا و ژاپن، نقش محوری گاز در سبد انرژی‌های اولیه جهان، ادامه روند رشد تولید نفت و گاز شیل در ایالات متحده حداقل تا سال ۲۰۳۰ میلادی، رشد فناوری‌های بهره‌برداری از منابع نامتعارف نفت و گاز نظیر نفت و گاز شیل و نفت‌های سنگین و در نهایت، برتری LNG بر خط لوله در تجارت جهانی گاز، تغییر نظام قیمت‌گذاری گاز از اتکا به قیمت‌های نفت خام و قراردادهای بلندمدت متکی به صادرات از طریق خطوط لوله به سازوکار رقابتی متکی به عرضه و تقاضای گاز، نام برد.

چشم انداز جهانی بازارهای نفت و گاز و جایگاه بازیگران کلیدی آن در گزارش آژانس بین‌المللی انرژی در نوامبر ۲۰۱۹ منتشر شد. طبق این گزارش که قبل از شیوع بیماری کرونا تنظیم شده است، ۷۰ درصد خالص واردات نفت و گاز جهان در افق ۲۰۴۰ متعلق به قاره آسیا است. چین و هند واردکنندگان عمده نفت و گاز و ژاپن واردکننده مهم گاز جهان در افق ۲۰۴۰ خواهند بود. چین؛ بیشترین رشد واردات نفت و گاز طی دوره ۲۰۱۸ تا ۲۰۳۰ و هند، بیشترین رشد واردات نفت و گاز طی دوره ۲۰۳۰ تا ۲۰۴۰ را به خود اختصاص خواهند داد. در این چشم‌انداز، روند رشد تولید نفت شیل آمریکا به دلیل افزایش حجم ذخایر و رشد فناوری بهره‌برداری استمرار دارد؛ آمریکای شمالی و آمریکای مرکزی و جنوبی به ترتیب بیشترین رشد عرضه نفت و آسیا پاسفیک، آفریقا و خاورمیانه به ترتیب بیشترین رشد تقاضای نفت را تجربه خواهند کرد و بخش عمده عرضه نفت خام خاورمیانه صرف تقاضای رو به رشد آن خواهد شد.

دورنمای بازار جهانی گاز در افق ۲۰۴۰ در سناریوی STEPS حاکی از آن است که کشورهای نواحی اوراسیا (روسیه، ترکمنستان و آذربایجان)، آمریکای شمالی (آمریکا و کانادا)، آفریقا و خاورمیانه به ترتیب بیشترین خالص صادرات گاز را دارند. ایالات متحده رتبه نخست رشد تولید و روسیه رتبه نخست خالص صادرات گاز جهان را خواهد داشت و عمده خالص صادرات گاز خاورمیانه به کشورهای قطر، عراق، ایران و عربستان اختصاص می‌یابد.

بر اساس دورنمای تجارت جهانی گاز در افق ۲۰۴۰ در سناریوی STEPS، تجارت جهانی گاز از ۷۹۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۸ به ۱۲۸۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۴۰ افزایش می‌یابد. سهم LNG نیز در تجارت جهانی گاز از ۴۴ درصد در سال ۲۰۱۸ به ۵۷ درصد در سال ۲۰۴۰ می‌رسد. در این میان کشورهای اصلی صادرکننده LNG به ترتیب استرالیا، قطر، آمریکا و روسیه خواهند بود و روسیه نقش اصلی را در صادرکنندگان گاز با خط لوله ایفا می‌کند.

آژانس بین‌المللی انرژی چشم‌انداز جهانی بازارهای نفت و گاز و جایگاه بازیگران کلیدی آن پس از بحران کرونا را نیز در ۴ سناریوی پایه، بدبینانه، خوشبینانه و بسیار خوش‌بینانه ترسیم کرده است. سیر تحولات تولید ناخالص داخلی جهان و مقایسه رکود اقتصادی ناشی از کرونا با ادوار گذشته حاکی از آن است که اثر منفی کرونا بر رشد اقتصادی جهان در ۷۰ سال اخیر

بی‌سابقه بوده است و جهان دومین رکود بزرگ خود در ۱۲۰ سال اخیر را تجربه کرد. میزان تغییر تقاضای جهانی انرژی‌های اولیه طی دوره ۲۰۳۰ - ۲۰۱۹ در سناریوهای مختلف نشان می‌دهد که در تمام سناریوها تقاضای زغال سنگ کاهش و تقاضای انرژی‌های تجدیدپذیر افزایش می‌یابد. همچنین تقاضای نفت در دو سناریوی خوشبینانه و بسیار خوش‌بینانه و تقاضای گاز در سناریوی بسیار خوش‌بینانه کاهش خواهد داشت. روند تقاضای نفت جهان طی دوره ۲۰۴۰ - ۲۰۱۰ در شرایط قبل از بحران کرونا در مقایسه با بعد از آن بیانگر آن است که بر خلاف روند قبل از بحران کرونا، دیگر بخش حمل و نقل پیشران تقاضای نفت خام جهان نیست، بلکه تقاضای نفت خام در پتروپالایشگاه‌ها به جهت رشد تقاضای محصولات پتروشیمی، نقش تعیین‌کننده و اصلی را ایفا می‌کند.

بررسی تاثیر بحران کرونا بر سید انرژی اولیه جهان در سناریوی STEPS نشان می‌دهد که این بحران سبب کاهش قابل ملاحظه سهم زغال سنگ از ۲۶ به ۲۲ درصد و رشد فزاینده سهم انرژی‌های تجدیدپذیر از ۱۰ به ۱۵ درصد خواهد شد. طبق این سناریو، شاهد رشد مصرف گاز در اقتصادهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور و رشد مصرف آن در همه مناطق جهان در بخش حمل و نقل و بخش صنعت (به استثناء اتحادیه اروپا) خواهیم بود. روند تولید نفت جهان طی دوره ۲۰۳۰ - ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که مجموع تولید نفت در اوپک و روسیه پس از بحران کرونا تا سال ۲۰۳۰ به سطح سال ۲۰۱۸ نخواهد رسید. در مقابل، تولید نفت کشورهای غیر اوپک از سال ۲۰۲۲ تا سال ۲۰۳۰ روندی با رشد ملایم را تجربه خواهد کرد و عمده این افزایش تولید از منابع شیل، آبهای عمیق، NGL و تاحدودی نفت‌های فوق سنگین خواهد بود.

از مقایسه مهمترین تولیدکنندگان نفت جهان در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۴۰ طبق سناریوی STEPS می‌توان دریافت که ایالات متحده رتبه نخست تولید و عربستان سعودی رتبه نخست رشد تولید نفت در افق ۲۰۴۰ را خواهند داشت. جایگاه ایران نیز با وجود رشد تولید همچنان رتبه هشتم در فاصله سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۴۰ خواهد بود و در این دوره کاهش تولید نفت چین و روسیه را شاهد خواهیم بود.

با وجود اینکه بیشترین افت تولید گاز در پی بحران کرونا در سال ۲۰۲۰ به روسیه، ایالات متحده و استرالیا تعلق دارد، در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ به ترتیب ایالات متحده، روسیه و خاورمیانه و در سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰ به ترتیب خاورمیانه، آفریقا و استرالیا بیشترین رشد تولید گاز جهان را خواهند داشت. در فاصله سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۴۰ بیشترین رشد صادرات گاز جهان را به ترتیب قطر، روسیه، ایالات متحده، استرالیا، کانادا و الجزایر انجام می‌دهند و ایران با وجود رتبه نخست ذخایر گاز و رتبه پنجم رشد تولید گاز، رشد صادرات گاز بسیار اندکی را خواهد داشت.

همچنین مقایسه تقاضای انرژی در سناریوهای سه‌گانه شرکت BP در افق ۲۰۵۰ حاکی از آن است که در سناریوهای RAPID و NETZERO رشد تقاضای انرژی در سال ۲۰۵۰ نسبت به ۲۰۱۹ حدود ۱۰ درصد و در سناریوی ادامه روند موجود حدود ۲۵ درصد است.

شناخت تهدیدهای پیش روی صنعت نفت و گاز ایران چاره‌اندیشی مناسب برای مواجهه با آن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند. از جمله مهمترین این تهدیدها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. رشد تولید و صادرات نفت خام و گاز طبیعی (LNG) ایالات متحده به بازارهای مختلف

۲. رشد تولید گاز روسیه و افزایش صادرات آن به صورت خط لوله و LNG به حوزه آسیایسپتیک و خاورمیانه

۳. نقش محوری استرالیا در بازار LNG در جنوب و شرق آسیا

۴. رشد تولید گاز و افزایش صادرات LNG قطر از میدان مشترک پارس جنوبی

۵. تقویت جایگاه ترکیه به عنوان کربدور انرژی منطقه و کاهش قدرت چانه زنی برای ادامه صادرات گاز ایران به این کشور و یا قطع آن
۶. رشد تولید گاز عراق و کاهش قدرت چانه زنی برای ادامه صادرات گاز ایران به این کشور و یا قطع آن
۷. رشد تولید و صادرات نفت خام عراق بویژه نفت سنگین از میدین مشترک با ایران
۸. رشد تولید گاز و افزایش صادرات محصولات پتروشیمی عربستان
۹. ادامه روند تحریم در میان مدت و عدم انتقال فناوری‌های پیشرفته و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و به تبع آن به فعلیت نرسیدن ظرفیت‌های تولید و صادرات نفت، گاز، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمیایی و کاهش تدریجی سهم از بازار
۱۰. رشد شدت انرژی کشور، افزایش مصرف داخلی انواع مواد هیدروکربوری و کاهش تدریجی صادرات.
در مقابل تهدیدها، فرصت‌های بسیاری نیز فراهم است تا این صنعت با استفاده از آن‌ها در جهت رشد و توسعه حرکت کند.
برخی از فرصت‌های پیش روی صنعت نفت و گاز ایران شامل موارد زیر است:
۱. رشد قابل توجه تقاضای نفت و گاز چین، هند، اندونزی، ژاپن، کره جنوبی و سایر اقتصادهای شرق آسیا و منطقه خاورمیانه
۲. رشد تولید گاز ترکمنستان و آذربایجان و امکان ترانزیت یا سوآپ آن به بازارهای مختلف از طریق ایران
۳. امکان صادرات گاز طبیعی به هند به صورت CNG و LNG از جنوب کشور
۴. امکان صادرات LNG به چین با سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی از طریق ایجاد تاسیسات مایع‌سازی گاز
۵. امکان صادرات گاز طبیعی به پاکستان و در ادامه به چین از طریق خط لوله
۶. افزایش ظرفیت خدمت‌رسانی به کشتی‌های عبوری (بانکرینگ) در دریای عمان و خلیج فارس
۷. افزایش سطح خدمات فنی و مهندسی در حوزه‌های مختلف بالادست و پایین‌دست نفت و گاز و پتروشیمی
۸. امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری در بخش‌های مختلف نفت، گاز و پتروشیمی با رفع تحریم‌ها در میان مدت.

رامین فروزنده

در چند دهه گذشته تقاضای نفت همواره روندی صعودی داشته است. اما رشد تقاضا که معمولاً حدود ۱/۵ میلیون بشکه در روز بوده است، در سال‌های اخیر به حدود ۱ میلیون بشکه رسیده است. در این بررسی، افق زمانی چشم‌انداز بازار نفت کوتاه‌مدت و میان‌مدت در نظر گرفته شده و تمرکز بر یک یا دو سال آینده است.

تا پیش از بحران کرونا، تقاضای جهانی نفت به طور معمول روزانه ۱۰۰ میلیون بشکه بوده است. با مختل شدن رفت و آمد عمومی و صنعت حمل و نقل هوایی که مصرف‌کننده عمده فرآورده‌های نفتی هستند، تقاضای نفت به حدود ۸۰ میلیون بشکه در روز نیز رسید و به نظر می‌رسد تا عادی شدن شرایط که برآورد می‌شود تا پایان سال ۲۰۲۱ به طول بیانجامد، تقاضای نفت نتواند روند صعودی چشمگیری داشته باشد. آخرین برآوردها از افت تقاضای نفت در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که تا پایان سال ۲۰۲۱ رسیدن به سطح تقاضای سال ۲۰۱۹ رخ نخواهد داد. همچنین انتظار می‌رود که تولید نفت شیل که در یک چهارم دوم سال ۲۰۲۰ به طور مقطعی کاهش یافته بود، دوباره روند صعودی خود را در پیش بگیرد و خود را به سطوح قبل برساند. در سال

۲۰۲۱ با تعویق تصمیم افزایش عرضه در اوپک پلاس امکان رسیدن قیمت نفت به بالای ۵۰ دلار وجود دارد اما با اضافه شدن سهم ایران در بازار نفت پیش‌بینی می‌شود که قیمت در بازه ۴۰ تا ۵۰ دلار قرار گیرد.

آژانس بین‌المللی انرژی در برآورد بلندمدت خود از تقاضای نفت پیش‌بینی کرده است که بواسطه بحران کرونا و به دنبال آن تغییر در سبک زندگی مردم و تغییرات در بخش صنعت، بین ۱ تا ۲ میلیون بشکه در روز از تقاضای نفت نسبت به پیش‌بینی‌های این آژانس قبل از دوران شیوع کرونا از بین خواهد رفت.

بنابر آنچه گفته شد قیمت‌های نفت تا میانه سال ۲۰۲۱ زیر ۵۰ دلار خواهند ماند و اگر اوپک پلاس بخواهد از قیمت‌ها حمایت کند باید در هدف‌گذاری‌های تولید خود بازبینی کند. بازگشت ایران به تولید ۲/۵ تا ۳ میلیون بشکه نفت در روز می‌تواند قیمت نفت را در محدود ۴۰ دلار قرار دهد و نکته آخر اینکه در دهه‌های پیش رو و در درازمدت بایستی به قیمت‌های کم نفت بیندیشیم و انتظار قیمت‌های بالا را نداشته باشیم.

دکتر نرسی قربان

ایران دارای بزرگترین ذخایر هیدرو کربور جهان است و باید با بررسی شرایط روز از این ثروت خدادادی استفاده بهینه کرد و کشور را به جایگاه واقعی خود در معادلات انرژی جهان رساند. در چهل سال گذشته اولویت‌های وزارت نفت و تحلیلگران همه بر دور زدن تحریم‌ها بوده و کمتر به توسعه نفت و گاز به عنوان عوامل تعیین‌کننده منافع ملی در درازمدت پرداخته‌اند. عدم توجه به این بررسی می‌تواند نسل‌های آینده را از یک امتیاز و برتری اقتصادی محروم و سیاست انرژی کشور را به دلیل چالش‌های روز بر پایه نادرست جلو ببرد.

در دهه‌های گذشته بطور کلی شاهد جایگزینی تقاضا برای هیدروکربن به الکتریسیته بوده‌ایم و در آینده نیز شاهد این رویداد خواهیم بود. در این مورد دو سناریو برای دهه آینده در نظر گرفته می‌شود. در سناریوی اول تسریع در روند جایگزینی سوخت‌های فسیلی دیده شده است و در سناریوی دوم، ادامه روند جایگزینی سوخت‌های فسیلی با انرژی‌های تجدیدپذیر به تدریج اتفاق می‌افتد. سرعت تحولات آتی انرژی به عواملی مانند کاهش هزینه‌های تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش کارایی خودروهای الکتریکی، توسعه تکنولوژی باطری‌ها و سیستم روشنایی بهینه و تحولات سیاسی و اقتصادی در چین (موتور تقاضا برای نفت و گاز) و آمریکا (موتور عرضه نفت و گاز در دهه گذشته) بستگی دارد.

در یکسال گذشته بیماری کرونا تاثیر زیادی بر اقتصاد، سیاست و روابط اجتماعی جهان داشته و بیشترین ضربه را به تقاضا برای انرژی و به ویژه نفت زده است. تقاضا برای نفت که در سال ۲۰۱۹ به حدود ۱۰۰ میلیون بشکه در روز رسیده بود در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۰ به ۸۵ میلیون بشکه در روز رسید. آینده تقاضا برای نفت در دهه آینده نیز بین ۱۰۰ تا ۱۰۵ میلیون بشکه در روز پیش‌بینی می‌شود. قله تقاضا برای نفت هم در اواخر دهه ۲۰۲۰ و یا اوایل دهه ۲۰۳۰ برآورد گردیده است. بیشترین افزایش تولید نفت در دهه گذشته در آمریکا و از لایه شیل بوده است. تولید نفت آمریکا از ۶/۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۸ به ۱۵/۳ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است. اگر متوسط قیمت نفت حدود ۵۰ تا ۶۰ دلار هر بشکه باشد تولید از لایه شیل در امریکا ادامه و افزایش خواهد داشت ولی به تدریج در دهه آینده کاهش می‌یابد. سهم اوپک از کل تولید نفت جهان در چند سال آینده کمتر خواهد شد ولی در آینده چون این کشورها هزینه تولید کمتری را دارند سهم‌شان بیشتر خواهد شد و سهم غیر اوپکی‌ها کم می‌شود.

گاز به دلیل امتیازات محیط زیستی در آینده به مقدار بیشتری در صنعت و تولید برق مصرف خواهد داشت. افزایش تولید و مصرف گاز بیشتر به علت کاهش مصرف ذغال سنگ و نفت در رابطه با مسائل محیط زیستی می‌باشد. تقاضا برای گاز تا چند دهه آینده ادامه خواهد داشت و در این رابطه ایران با ذخایر عظیم گاز از امتیاز ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

تقاضا برای الکتریسیته در آینده افزایش چشمگیری خواهد داشت که این افزایش حدود ۲ درصد در سال پیش‌بینی می‌گردد. سهم انرژی‌های تجدید پذیر در تولید الکتریسیته در سال ۲۰۱۹ از ۹/۳ درصد به ۱۰/۴ درصد افزایش یافته است و پیش‌بینی می‌شود که سهم انرژی‌های تجدید پذیر و گاز در تولید الکتریسیته هر سال افزایش داشته باشد.

سرمایه‌گذاری در نفت و گاز در سال ۲۰۲۰ حدود ۲۰ درصد نسبت به سال ۲۰۱۹ کاهش داشته است. طبق برآوردهای سازمان بین‌المللی انرژی سرمایه‌گذاری در بالا دستی نفت و گاز (اکتشاف و تولید) که در سال ۲۰۱۹ حدود ۴۸۰ میلیارد دلار بوده در سال ۲۰۲۰ به ۳۲۰ میلیارد دلار کاهش داشته است. سرمایه‌گذاری در لایه شیل در آمریکا نیز حدود ۵۰ درصد کاهش داشته است. این روند در سال ۲۰۲۱ نیز با شرایط بیماری کرونا احتمالاً ادامه خواهد داشت ولی اگر مشکل بیماری کرونا حل شده و اقتصاد جهان به روند توسعه بازگردد ممکن است با شوک کمبود نفت مواجه شود.

سوالی که همواره مطرح بوده آن است که "نفت را زیر زمین برای نسل‌های بعدی بگذاریم یا قبل از گذشت از دوران نفت از آن استفاده کنیم؟" برای یافتن پاسخ این پرسش باید بدانیم که حتی اگر تا ۳۰ سال دیگر تقاضا برای نفت ایران باشد و ۴ میلیون بشکه در روز تولید کنیم حدود ۴۰ میلیارد بشکه می‌شود و هنوز ۷۰ درصد ذخایر نفت ما زیر زمین می‌ماند. اگر می‌توانستیم ۸ میلیون بشکه در روز تولید کنیم هنوز پس از ۳۰ سال حدود ۵۰ درصد ذخایر زیر زمین می‌ماند ولی با نفت ۴۰ دلاری در ۳۰ سال حدود ۱/۵ تریلیون دلار برای سرمایه‌گذاری نسل‌های آتی ایجاد می‌گردید.

مقایسه ذخایر و تولید نفت و گاز در آمریکا و ایران بیانگر آن است که آمریکا با ۴ درصد ذخایر نفت جهان ۱۷/۹ درصد تولید نفت جهان را دارد و ایران با ۹ درصد ذخایر نفت جهان (۲/۲۵ برابر ذخایر آمریکا) ۳/۷ درصد تولید جهان را دارد (حدود یک پنجم آمریکا). همچنین آمریکا با ۶/۵ درصد ذخایر گاز جهان ۲۳ درصد گاز جهان را تولید می‌کند و ایران با ۱۶ درصد ذخایر گاز جهان (۲/۵ برابر ذخایر آمریکا) ۵/۶ درصد تولید جهان را دارد (حدود یک چهارم آمریکا).

مهمترین امتیازات ایران برای توسعه صنعت نفت و گاز وجود نیروی کار جوان و تحصیل کرده و منابع طبیعی بسیار غنی و موقعیت جغرافیایی ممتاز برای تعامل با همسایگان و جهان است و دو اولویت اصلی پیش روی ما ۱- جذب سرمایه برای توسعه و بهره‌برداری بهینه از حوزه‌های قدیمی نفت و ۲- توسعه صنعت گاز ایران که بیشترین ذخایر گازی پس از روسیه را دارد و تقاضا برای آن تا چند دهه دیگر وجود دارد، به شمار می‌رود.

اقداماتی که می‌تواند ایران را در آینده به یکی از مهمترین عرضه‌کنندگان انرژی در جهان تبدیل نماید و اقتصاد ایران را از رکود تورمی فعلی نجات دهد عبارتند از: ۱- حل مسائل سیاسی به نحوی که همه تحریم‌های موجود خاتمه یابد و تعامل اقتصادی با جهان شکل گیرد. ۲- تقویت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری در همه بخش‌های انرژی کشور با همکاری شرکت‌های بین‌المللی انرژی. ۳- تدوین یک فرمول جامع برای قیمت درازمدت گاز طبیعی که سرمایه‌گذاری در صنایع گاز بر را جذاب نماید. ۴- ایجاد سازمان رگولاتوری مستقل برای انرژی در کشور. ۵- حذف سوبسیدهای انرژی به صورت فعلی.